

خواهش

از بازرگانان تبریز

از آقایان صدقیانی، کلکته‌چی، بافته‌ای نخجوانی، شربت‌زاده، شالچی خواهشمندیم که چنانکه در شماره ۲۲۳ پرچم پیشنهاد گردیده میانه ما و آقایان ملایان تبریز میانجی باشند و آن پیام ما را بایشان برسانند و پاسخ بخواهند.

من نمیدانم از ملایان بنام در تبریز که هست. آنانکه انجمن می کنند واز پیمان و پرچم بد می گویند، آنانکه مردم را از خواندن پرچم بازمیدارند کدامها هستند. شما چون در تبریز هستید میدانید سران ملایان کیستند. آن پیام را بایشان برسانید و پاسخ گیرید.

این مطلب یک بزرگیست و شما اگر خواهش ما را پذیرفته بپایان گزارید یک کار ثوابی کرده‌اید، خدا را از خود خشنود گردانیده‌اید. آن رفتار ملایان که همیشه بادولت دشمنی نشان میدهند بایران بسیار گران بسر می آید. باید بآن چاره کنیم.

آقایان ملایان اگر حکومت را حق خود میدانند نخست دلیل آن را بگویند، دوم راهی را که برای اداره کردن کشور پیش خواهند گرفت روشن سازند، سوم کسی را که از میان خود بفرمانروائی خواهند برگزید نام ببرند.

خلاصه آنکه سخن خود را آشکار بگویند که ما اگر دیدیم سخنشان پذیرفتنیست بپذیریم و من از سوی خود داوری را بشما آقایان بازرگانان می‌سپارم که اگر گفته های آقایان ملایان را در خور پذیرفتن دیدید و مطمئن شدید که خواهند توانست کشور را راه برند بمن آگاهی دهید که من نیز با یارانم با شما همدست شویم و حکومت را بدست آقایان بسپاریم و باین دوتیرگی خاتمه دهیم. اگر خواستید من هم بآذربایجان می‌آیم که از آنجا بکار آغاز کنیم. اینست چشم براه پاسخهای شما خواهم بود.

ارزش اسکناس باپشتوانه نیست (۲)

گفتیم: ارزش اسکناس از کالاهاست. اگر راستیرا بخواهیم باید گفت: ارزش آن از قراردادیست که مردم با هم دارند و اسکناس را وسیله مبادله شناخته‌اند، و چنانکه گفتیم اگر یک تکه چوبی را وسیله مبادله شناسند آن نیز دارای ارزش خواهد بود. اینست ما چندان ارتباطی در میانه فزونی اسکناس و بالا رفتن نرخها نمی‌دانیم و آن اندیشه بازرگانان که ارزش اسکناس را از پشتوانه طلا می شناسند و بآن ملاحظه همینکه گفتگو از چاپ اسکناس جدید میان می‌آید نرخها را بالا می برند جز از روی ناآگاهی نمی باشد.

راستر هم آنکه بسیاری از آنان در پی بهانه میباشند و اینست نه تنها از چاپ اسکناسهای نوین ببالا بردن نرخها مبادرت می ورزند از هر پیشامد پرت دیگری آن استفاده را می‌نمایند. اگر شبی یکی از رادیو ها دروغی پراکنده کند که میانه آلمان و ترکیه بهم خورده فردا می بینی همان را بهانه ساخته نرخها را بالا بردند. بی آنکه دانسته شود چه نسبتی در میان تیرگی روابط آلمان و ترکیه با گرانی برنج و روغن ایران میباشد.

دانستنی‌تر آنکه اینها آن کار را بعلت آزمندی میکنند و مقصودشان آنست بدارائی خود بیفزایند.

در حالیکه از این راه چندان نتیجه بدست نخواهد آمد زیرا با حال کنونی بازار همینکه یک بازرگانی نرخ یک کالایی را بالا برد دیگران نیز همان رفتار می کنند، و این در واقع پائین افتادن ارزش پولست نه بالا رفتن نرخ کالا، اینست مقصودی از این راه بدست نخواهد آمد.

کسانی میگویند: هنگامیکه دولت اسکناس های نوین چاپ می‌کند و آن را میان مردم پراکنده می گرداند، از این راه نیروی خرید مردم را بیشتر می کند و این خود باعث گرانی کالا ها میشود، زیرا هر چیزی که خریدار بیشتر دارد گرانتر خواهد گردید.

می گوییم: این چندان بی‌مینی نیست. ولی فهمیدهٔ بازرگانان ما جز از اینست آنان باین توجهی ندارند و چنانکه می‌بینیم همینکه نامی از چاپ اسکناس نو بمیان می آید پیش از آنکه بگزارند پیشنهاد در مجلس تصویب شود و اسکناس چاپ گردد و بدست مردم برسد و نیروی خرید بیشتر گردد مبادرت ببالا بردن بهای کالاها می کنند. پایه کار آنان نه این، بلکه موضوع پشتوانه طلا و نسبت آن به میزان اسکناس میباشد.

از آنسوی در اینموضوع هم باید گفتگو کرد. زیرا دولت که اسکناس چاپ می کند یکباره بدست مردم نمیدهد که نیروی خریدشان بیکباره فزونی گردد. دولت این پول را اگر بکارکنان اداره ها میدهد آنان در ماه های پیش نیز همین اندازه حقوق گرفته و نیروی خرید داشته اند، و اگر بدیگران می دهد باید دید کیستند و چگونه این پول بدست ایشان می رسد و در کجا بکار می برند. باین آسانی نتوان گفت که چون اسکناس چاپ میشود نیروی خرید مردم بیشتر می گردد. گذشته از اینها دولت در چندی پیش یک توضیحی داد که در خور پذیرفتن بود. گفت یکی از جاهاییکه دولت به پول نیاز مند است موضوع خرید برخی کالا ها از اروپا و امریکاست و چون اکنون وسایل باربری کم شده و یک سفارش چند برابر سالهای پیش زمان لازم دارد تا بایران برسد، از اینرو مقدار مهمی از پول دولت در ضمن یک مدت معتنابهی در اروپا و امریکا می ماند و از اینرو ما نیاز بفزونی اسکناس پیدا کرده‌ایم که جای آنها را پر گردانیم. این نکته ها را نیز باید در دیده گرفت.

ما بر آنیم که در هر زمینه ای باید حقایق را گرفت و پایه کارهای زندگی را بروی آن گزاشت. در باره اسکناس و ارزش آن و همچنین در زمینه سیم وزر و جواهر نیز باید این حقایق در اندیشه ها جایگیر گردد و پایه کار ها باشد. در این باره باز گفتارهایی خواهیم نوشت.

حافظ چه میگوید؟

(۸)

۸ - گزاره‌های نابجایی که میکنند

چنانکه گفتیم یکی از زمینه‌هایی که حافظ در سخنسازی های خود از آن بهره میجوید همین کشاکش صوفی و خراباتی است که بسیاری از شعر های او در این زمینه است. این کشاکش از آغاز زمان مغول برخاسته و خود یک سرگرمی برای شاعران بیکار و یاوه‌گوی خراباتی بوده که بیگمان شعرهای بسیاری در این زمینه ساخته اند (چنانکه برخی از آنها از تذکره ها بدست میآید ولی چون من دسترسی نداشتم و نمیخواستم بیاورم چشم پوشیدم) سپس که حافظ آمده آن زمینه را بیشتر دنبال کرده و یک رنگ و روغنی بآن داده.

چنانکه گفتم این نخست عنوان ریشخند و شوخی داشته و هنوز از شعر های حافظ لحن شوخی پیداست:

گر مرشد ما پیرمغان شد چه تفاوت
در هیچ سری نیست که سری ز خدا نیست

مرشد که در نزد صوفیان یکمرد دانا و آگاه و ریاضت کشیده ای می بوده و جایگاه بزرگی داشته این بجای آن یک پیر گبر نادان میفروش را که کارش از پست ترین کار ها بوده می شناساند و می گوید: «تفاوت ندارد. در هیچ سری نیست که راز هایی از خدا نباشد» و پیداست که این جز ریشخند نتواند بود.

کسانی که از این زمینه کشاکش صوفی و خراباتی و از داستان شگفت آن که ما شرح دادیم ناآگاه میباشند معنی این رشته از شعرهای حافظ را ندانسته چنین میگویند: «حافظ با صوفیان و زاهدان ریاکار نبرد میکرده و مقصود او این است که آدمی باید ریاکار نباشد» و این را یک هنری برای حافظ میشمارند. ولی باید گفت اشتباه میکنند.

یکداستانی در بچگی شنیده‌ام که باید در اینجا بنویسم: پیش از زمان مشروطه در ایران «نام شب» معمول بود. یکشبی یکدسته از خواننده و نوازنده بعروسی میرونده و در پایان شب که بر میگشته‌اند نام شب نداشته اند و بیادشان نبوده که نام شب باید داشت و اینست چون بجایی میرسند که قراول از دور فریاد میکشد: «آینده کیستی؟ .. نام شب»، اینان درمیمانند. سردسته شان تدبیری باندیشه اش می رسد. بدینسان که بنوازندگان می گوید شما بنوازید، و خود نیز آواز برمیدارد: «عیش و نشاطون یریدور اردبیل...» (جای عیش و نشاطست اردبیل) این تصنیفی بود که آن زمان در تبریز میخواندند. مقصود سر دسته این بود که یکدلخوشی بقراول بدهند و بی نام شب در گذرند، ولی نگو که نام شب همان «اردبیل» بوده و قراول چنین می پندارد که اینان نام شب را میدانند و بدینسان نام شب میدهند. اینست برخاش کرده فریاد می کشد: «مرد که نام شب دادن سرناو دف نمیخواهد، بگو «اردبیل» دیگر».

اکنون باید همان سخن را بحافظ گفت: آقای حافظ گفتن اینکه ریا کار نباشید اینهمه پریشانگویی نمیخواهد، اینهمه ستایش بیمعنی از باده نمیخواهد، اینهمه سخن از ساده بازی نمیخواهد، اینهمه داد جبریگری دادن نمیخواهد، اینهمه درس مستی و بیغیرتی دادن نمیخواهد...

آری حافظ بصوفیان ریاکار نکوهش می کند ولی خود او مردم را به جبریگری میخواند، بمستی و رندی میخواند، بساده بازی و بیناموسی میخواند، که اینها بدتر از پیروی صوفیان ریا کار است. حافظ زبان بریده چندجا بخدا گستاخی میکند که زشت‌ترین گناهست.

در ایرانیان یک عادت بسیار زشتی پیدا شده و آن اینکه چون ستایش کسی یا نکوهش او را که بشنوند در باره اش خود را فریب میدهند. ما این را آزموده‌ایم در داستان فردوسی که چون در سال ۱۳۱۳ کنگره‌ای بنام او در تهران برپا شد و هایهوی فردوسی‌بازی برخاست یکی فردوسی را «سپهبد» گردانیده گفتار راند که فردوسی از فنون جنگی امروزه آگاه بوده و برای افسانه خنک هفتخوان شاهنامه نقشه جنگی ترتیب داد، دیگری فردوسی را پزشک گردانیده کنفرانس داد، دیگری او را یک دانشمند «پداگوژی» گردانیده و «تعلیم و تربیت» از نظر فردوسی نوشت، دیگری شاهنامه را «قران فارسی» نامید و چنین گفت: «همه چیز را از آن میتوان درآورد». اینان نه آنکه دروغ می‌ساختند، از ناتوانی روان خود را فریب میدادند. این یک بیماریست که در این توده پیدا شده.

در نکوهش نیز اینچنین است. کسی را که به بدی بشناسند هر گونه بدی باو می بندند. چندسال پیش که اصغر بروجردی را گرفتند کسانی میرفتند و می‌دیدند و چون بازمیگشتند، میگفتند: «از چشمهایش پیداست که جانیست. من همینکه دیدم شناختم که این جانیست و آن جنایتها را این کرده». در روزنامه‌ها نیز همان را نوشتند. درحالیکه از یکماه پیش بود که جنایت دانسته شده و شهربانی در پی جانی میگشت؛ و از آنسوی اصغر بروجردی هر روز سینی بامیه در دست در میدان سپه میگردید، و من نمیدانم این جانی شناسان چرا او را نمیشناختند. از آنسوی چشمهای اصغر همچون چشمهای دیگر بروجردیان بود و یک معنای خاصی از آن برنمیآمد.

این نمونه بیچارگی این توده است. از بس روان و خرد ناتوان گردیده نمیتوانند راستی‌ها را دریابند و بدینسان فریب میخورند و خود را فریب میدهند. آنهمه ستایش از حافظ می کنند و من چون کتاب او را بدست آورده میخوانم می‌بینم بسیاری از شعرهایش یکبار بیمعنی است.

مثلا این شعر پائین را شما معنی کنید:

دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند
خاک آدم بسرشتند و به پیمانه زدند

شاعر میخواهد چه بگوید؟.. این یک معناییست که شعرای خراباتی بارها تکرار کرده‌اند که هنگامیکه گل درست کرده و میخواستند کالبد آدم را بسازند کمی نیز باده بآن ریختند و اینست مهر باده در دل ما فرزندان آدم خوابیده است. حافظ نیز میخواهد آن را بگوید. ولی معنی را وارونه گردانیده می گوید: «خاک آدم را بسرشتند و آنهم به پیمانه (که ظرف باده است نه خود باده) زدند». شعریست بسیار بیمعنی، لیکن شما از حافظ پرستان بپرسید و ببینید که با چه آب و تابی این را معنی می کنند.

من داستان «پیر میفروش» را شرح دادم که چون صوفیان هر گروهی یک پیری داشتند اینان که بریشخند و شوخی میکده را با خانقاه یکسان می گردانیده اند چنین گفته اند که ما نیز در اینجا پیری داریم و پیره گبر میفروشی را که روزی چند بار بسریشش خندیده بدوشش می بریده اند بجلو کشیده و پیر خود نامیده اند. ولی کسانی می آیند و می گویند: مقصودش از پیر میفروش امیرالمومنین است چون اینها او را مرشد خود می شناختند.

یکی نمی پرسد: ای بیخرد علی کجا و نام پیر میفروش کجا؟!. اگر این راستست که حافظ یا دیگری امام علی بن ابیطالب را پیر میفروش نامیده همین گناه او بس!

خود شاعر مقصودش را آشکار می گرداند. می گوید: اگر ما پیر مغان را بمرشدی گرفته ایم جای نکوهش نیست. زیرا اینهم رازهایی از خدا در سر دارد. گفتم که این از روی ریشخند بوده ولی بهرحال می بینید که شاعر عذر خواهی می کند که یک پیر میفروش را بمرشدی پذیرفته اند. اگر مقصود علی بودی ای نادان چه جای این عذر خواهی بودی!!.

بار ها دیده ام کسانی با دهان پر باد این شعر حافظ را میخوانند:

در خرابات مغان نور خدا می بینم
این عجب بین که چه نوری ز کجا می‌بینم

این را میخوانند و یک لذتی می برند و چنین وا می نمایند که حافظ در اینجا یک معنای عرفانی را گنجانیده، و او می فهمد و لذت می یابد. یکروز از یکی پرسیدم: معنی این شعر چیست؟ گفت چطور؟!! مگر معنی این شعر مبهم است؟!. گفتم نه مبهم نیست. خرابات مغان که یکجایی بوده بسیار چرکین و پست؛ یک پیره گبری با ریش و پشم می آلودی می می‌فروخته و بچگان لوس و تردامنی باین و آن ساغر می داده اند، یکدسته از لاتان و بیدردان در آنجا گرد آمده به گفته خود حافظ خرقه و دفتر گرو گذارده باده میخورده اند و چون مست می شده اند لاطایلات می‌سروده‌اند، بهم دشنام می داده اند، جست و خیز های خنده‌آوری می کرده اند. این خرابات مغان بوده که شاعر شیراز در آنجهان بد مستی در آن نور خدا می دیده. اینست معنی شعر. گفت: نه آقا! این معنی عرفانی دیگری دارد. گفتم: بگو، در ماند و دم فرو بست. تنها این شعر نیست، و تنها شعر های حافظ نمی باشد در همه چیز چنینند که چون بپرسی پاسخی نتوانسته در می مانند برای آزمایش بپرسید آن عشقی که حافظ می گوید معنایش چیست؟..

از اینجا و از آنجا

کامران میرزا



از کامران میرزا که یکی از دشمنان مشروطه بود عکسی آورده ایم این عکس دیگر اوست.

درپیرامون رمان

(۵)

سزاست که داوری خود را در باره رمان و رمان خوانی با گفتار دارندهٔ پرچم آغاز کنم: «چرا دانا دروغ پردازد یا بخواندن دروغ عمر خود را تباه سازد»

این یکی از بیچارگیهای توده‌ماست که بهرچیزی، چه نیک و چه بد، که یک نام فریبنده‌ای بگزارند مردم بااشتیاق آنرا می‌پذیرند.

مثلا گفته‌های خیام که آشکاره دستور بیدردی و بیغیرتی می‌دهد چون نام آنرا فلسفه نهاده‌اند همه فریبش را میخورند و یکی نمی گوید اینها چه فلسفه‌ایست؟.

به رمان که افسانه بافی و دروغ پردازیست که هر کسی باید از آن نفرت کند چون نام ادبیات گزارده‌اند جوانان فریب آن نام را می‌خورند و بایک اشتیاق غریبی رو بآن می‌آورند.

شک نیست که رمان خوانان رمان را برای وقت گذرانی یا التذاذ از حکایت‌های شهوت‌انگیز آنها می‌خوانند و این خود یک کار زشتیست و زیانهای بسیاری دارد و باید نکوهش نمود. همچنین رمان‌نویس که برای نام‌درآوردن یا برای کسب پول رمان چاپ می کند درخور نکوهش میباشد. لیکن آنچه‌مایهٔ تأسف و درخور نکوهش است آنست که همان رمان نویسان پیش افتاده ستایشهایی از رمان می کنند مثلا می گویند: رمان یکراهی برای پیراستن خویهاست در حالیکه قضیه وارونه است واین رمانها جز مایهٔ پستی خوبهانیست.

این یکی از ارمغان های چرکین اروپاست که پس از جنبش مشروطه که هیاهوی اروپائیگری سراسر ایران را فرا گرفت رمان‌هم‌همراه سیاهکاریهای دیگر بکشور ما وارد شد و چون ایرانیها در هیچ کاری اندازه نگاه ندارند و سود و زیان را در ترازوی خرد نسنجند در این قسمت هم اندازه نگاه نداشتند و میتوان گفت که از اروپائیها نیز جلوتر افتادند.

فراموش نمیکنم که چند سال پیش جوانی برای اینکه بدختری دل بسته بود و میخواست که عشق خود را باو آشکار سازد شروع به‌نوشتن رمانهایی کرد که ماهانه بیرون میداد و در دست هزاران پسران و دختران جوان مایهٔ سرگرمی و دلخوشی بود.

دزد سر گردنه هزاران بار باشرافت‌تر از آن رمان نویس‌است که ملیونها جوانان این کشور را به پرتگاه هلاکت میکشانند نه اینکه نباید برایشان بخشود بلکه باید رمان های آنان را در روی میز داد گاه گذارده و از روی نوشته‌هاشان محاکمه‌شان کرد (و این کاریست که ما آزادگان بیاری خدا خواهیم کرد)

بستایش چه نیاز است؟

بار ها دیده میشود از شهرستان ها بتلگراف یا بنامه از یکی از درکنان دولت ستایش می نویسند و بنام آنکه بایای خود را انجام داده درخواست میکنند ما در روز نامه نامهای ایشان ببریم. از جمله بتازگی شرحی از سراب با امضاهای بسیاری رسیده که از فرمانده ژاندارم آنجا ستایش نوشته اند و یا پولی بنزد ما فرستاده اند که بچاپ رسانیم این است بپاسخ داده میگوییم: اگر یک کارکن دولتی بایای خود را انجام داده بستایش چه نیاز است؟! و آنگاه ما روز نامه را برای چنین کارهایی بنیاد نکرده ایم. اینست آن نوشته را بچاپ نرساندیم فرستنده پول نشانی را بنویسد تا پولش پس فرستیم.

شگفتا از وزارت فرهنگ کشوری که از این گونه کارها جلو نگیرد و اجازه چاپ و انتشار دهد! من نمیدانم چرا فرهنگ به‌تباهی جوانان کمک می کند؟!..

آنان که سنگ طرفداری فرهنگ را به سینه میزنند بگویند به‌بینیم که باین کار فرهنگ چه‌می گویند؟!..

من نمیدانم رمان نویسان چرا تحقیق تاریخی نمیکنند که برشتهٔ نوشتن کشند و خدمتی انجام دهند؟ چرا رمان خوانان تاریخ این کشور و یا کشور های دیگر یا تاریخ مردان نامی را نمیخوانند که هم بر دانش خود بیافزایند وهم از گذشته پند بگیرند واز کارهای نیک گذشتگان آگاهی یابند.

چه بسا جوانانی که از خواندن رمانهای ننگین از زندگی خودسیر شده خودکشی کرده‌اند. آیا خون این جوانان بگردن کیست؟

این نابکاریها که امروز جوانان گرفتار آنند چه کسانی باعث رواج آنها هستند و گناه بگردن کیست؟

برادران و خواهران: اگر غیرت و سرفرازی را خواهانید اگر عفت و پاکدامنی را آرزو میکنید زینهار دور رمان و رمان خوانی نگردید. راستی پژوه باشید و در هرجا واز هرچیز راست آن را بگیرید و خرد را پیشوای خود ساخته وخردمندانه زندگی بسر دهید.

از دوارمغان ننگین اروپا: آزادی زنان ورمان پرهیز کنید و با حقایق مسلم پیمان و پرچم در باره رستگاری جهانیان بویژه ایرانیان باما آزادگان همراهی کنید.

«مسعود مقدم»

گزارش کشور

در پیشگاه ملوکانه

روز گذشته پیش‌ازظهر آقای نخست وزیر بوزارت خوار بار رفته و پس از ملاقات آقای فرخ بکاخ سلطنتی رفته به حضور ملوکانه شرفیاب شدند

بمناسبت تولد علیاحضرت فوزیه پهلوی

بمناسبت جشن تولد علیا حضرت فوزیه پهلوی ملکه ایران اعلیحضرت همایونی و علیا حضرت ملکه دستور فرمودند که پنجشنبه شب جلسه شب‌نشینی در باشگاه افسران تشکیل شود تادرآن شب مردان متمکن و اشخاص نوع پرست مشارکت جویند و بمستمندان کمك کنند تا از این راه مبلغی برای دستگیری و اعتانت بینوایان جمع آوری شود .

اعلیحضرت همایونی و علیا حضرت ملکه در شب‌نشینی تشریف فرماخواهند شد و برنامه مفصلی ترتیب داده شده که از هر حیث جالب خواهند شد .

انتظار میرود نیکوکاران واشخاص خیراندیش از این موقع استفاده کنند و به شاهنشاه محبوب و ملکه معظم ایران که پیشقدم این کار خیر گردیده اند تأسی جویند و از کمك و مساعدت مضایقه نکنند وجوهیکه از درآمداین شب نشینی بدست میآید باتصویب و اجازه اعلیحضرت همایونی به مصرف کمك بخانواده های بی‌بضاعت خواهد رسید .

انجمن خیریه والاحضرت اشرف پهلوی

برای دستگیری از مستمندان و کمك به بینوایان انجمنی بنام انجمن خیریه والا حضرت اشرف پهلوی تحت ریاست والاحضرت معظم لها تاسیس وروز دوشنبه نخستین جلسه آن در کوچه شهناز (خیابان پاستور) تشکیل خواهد یافت

والاحضرت اشرف پهلوی نظر بفرط علاقه که بدستگیری بینوان دارند مبلغ پانصد هزار ریال شخصامرحمت فرمودند تیمسارسرلشگرجهانبانی مدیر عامل این انجمن را عهده دار هستند

واگذاری امر نان بشهربانی

بنا به پیشنهاد وزارت خوار بار و تصمیم آقای نخست وزیر امر نان شهر به عهده آقای سرپاس رادسر رئیس اداره کل شهربانی محول است و از امروز مراقبت کامل در انتظام امر نان از طرف ایشان بعمل خواهد آمد .

تقاضای وزارت خواربار

وزارت خواربار خاطر عموم اهالی پایتخت را مستحضر می دارد که در تمام کوی‌های‌شهر بانده‌کافی از دکان نانوائی دایر است و اهل هر محل میتوانند از نانوائی محله خودنان خریداری کنند بنابراین ازاهالی محترم تقاضا میشود که برای تهیه نان به نانوائیهای نقاط دیگر مراجعه نکنند تا در نتیجه از ازدحام جلو گیری و رفاه عموم فراهم شود .

اقدام خیر خواهان کاشان

بقسمی که‌از کاشان اطلاع میدهند که چندی پیش آقای نراقی نماینده کاشان در مجلس شورای ملی باتفاق آقای آریا و بازرگانان ساکن تهران بکاشان رفته بودند تابرای کمك بفقرا و بی نوایان فکری بیندیشند در نتیجه دعوتی که از بازرگانان نمودند ودرشرکت ریسندگی جلسه ای تشکیل یافت و پس از ایراد بیانات موثری در باره‌لزوم کمك بافقرا قرارشد صندوق خیریه بهمت عموم بازرگانان کاشان و ساکن تهران تاسیس شود .

آقایان بازرگانان در همان مجلس تعهداتی نمودند و شرکت ریسندگی چهار صد هزار ریال - احمد اخوان‌ماهی بیست هزار ریال - بروجردی یکصدهزار ریال در همان جلسه به صندوق خیریه پرداختند ده هزار ریال هم آقایان نراقی و آریا - اخوان . کاشانچی و لاجوردی . برای تهیه کتاب ولوازم دیگر اطفال بی‌بضاعت پرداخته .

عزیمت رئیس ژاندارم

از زنجان خبر میدهند که آقای سرلشگر آق اولی رئیس کل ژاندارمری عصر روز دهم آبان وارد زنجان شده و صبح روز یازدهم آبان به تبریز رهسپار شدند

ورود فرماندار

از آباده اطلاع میدهند که آقای وجدی فرماندار آباده بجای آقای ماقی وارد آباده شده ومشغول کار گردیده اند

سردی هوا وبارندگی

از سنندج اطلاع می دهند که چند روز است متناوباباران میبارد وهوا کمی سرد شده است .

رفع ناامنی

اراك - طبق اطلاعیکه رسیده است مدتی از تاریخی که اموال برج عوض غارت شده و اشرار را رئیس گردان اراك شخصا تعقیب و سر کوبی نمود و اموال را دریافت و بصاحبانش مسترد داشته است تا کنون دیگر اتفاقی در لوك سربند و غیره رخ نداده بهمین جهت تلگراف تشکر آمیزی از توده به ژاندارمری اراك رسیده است .

حریق ماشین

رامسر - ساعت ۲۶ اتومبیل باری ۴۷۵۳ حامل ۸۶ حلقه لاستیك در سه کیلو متری رامسر غفلتا آتش گرفته مامورین شهربانی به کمك اهالی قسمتی از بارها را خارج کردند بقیه طعمه‌آتش گردید راننده در شهربانی تحت نظر و بازجوئی است .

گم‌شدن یك دوشیزه

منگسر بقرار مسموع شمسی شانزده ساله دختر محمد اسمعیل یقینی منگسری چندشب قبل در منزل خوابیده و صبح موقعی که کسانش از خواب بیدارمیشوند دخترراپیدا نمی‌یابندو در صدد جستجو میشوند سپس اداره شهربانی از موضوع اطلاع یافته و قضیه تحت تعقیب است .

رئیس حسابداری کل

آقای عبدالباقی شعاعی برحسب تقاضای وزارت خواربار از بانك ملی بآن وزارتخانه انتقال یافته وبریاست اداره حسابداری کل وزارت خواربار منصوب شده اند .

تازه‌ترین خبر ها

جبهه خاوردور- بقرار اطلاع واصله در جبهه استالین گراد نیروی محور هنوز به پیشرفت مهمی نائل نشده‌است جنك باهمان‌شدت ادامه دارد ، روسها اعلامیه مشروح تازهٔ در این خصوص انتشارداده اند جنك های بسیارسخت وخونین درناالچیك در جریان است .

خبرنگار خبرگزاری انکلیس مینویسد که شهر توسط سپاهیان محور مشتعل گردیده است هنوز ناظرین امور نتوانسته اند دمحل حمله آلمان ها را ازجنوب به آلا کیه درك کنند تنها حدسی که زده میشود اینست که آلمان ها برای تهدید شهر صنعتی ارجونیکیدزه بایت حمله مبادرت کرده اند .

روسها در اعلامیه های خود برتری قوای دشمن را توضیح داده وعلاوه میکنند که که آلمان ها پیش خود احتمال میدهند که پس از باریدن برف این شهررا تصرف نمایند .

جبهه مصر - رویتالند خبر نگار مخصوص خبرگزاری انکلیس در قاهره چنین گزارش میدهد مهمترین نبرد واحد های زره پوش در بیابان مصر دیروز صبح زود در ناحیه تل‌العقاقیر آغاز گردید .

تل‌العقاقیر یك برآمدگی صخره ایست که‌صدپا بلندی دارد وبر ناحیه‌جنوب سیدی عبدالرحمن مسلط است .

پیش از این نبرد مهم پیاده نظام متفقین اندکی پس از نیمه شب بموفقیتی نائل شده بود واین نبرد که در تمام روز میان قوای عمده تانکهای طرفین ادامه داشت بی شك در حمله عمومی تاثیرات شگرفی خواهد داشت در پرتو این موفقیتی که نصیب نیروهای متفقین شد رزم گرانه دو یا که در آن سربازان استرالیائی حملات نیرو های آلمان را دفع کرده در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است .

اگر این پیشرفت همچنان ادامه پیدا کند اوضاع کرانه خود بخود بهبودی خواهد یافت نیروهای دریائی وهوائی متفقین باتمام وسائلی که در اختیارخود دارند از پیشرفت نیرو های زمینی پشتیبانی مینمایند .

جبهه‌خاوردور- سرهنك نوکس وزیردریاداری امریکا امروز بر علیه‌خوش بینی فوق‌العاده‌درباب جنك جزایر سلیمان اعتراض کرده گفته است چیزی که موجب خوش‌بینی‌فوق‌العاده باشد در بین نیست .

ما بخوبی میدانیم که ژاپنیها هنوزدارای یك ناوگان معظم موحشی‌میباشند و جای شك و شبهه نیست که دو باره حمله‌خواهندآورد. وزیر نامبرده ضمنا اظهارداشت شب دوازدهم اکتبر دور زمنا و ژاپنی در نزدیکی جزیره « ساوو » غرق گردیده است .

کوشش‌های سیاسی

از روز وات گرفته تا یك کار گر ساده، قریب‌سی‌میلیون نفر کارروزانه‌خودرا تعطیل کرده و در انتخابات کنکره و دولت شرکت کردند . طبق نتیجه‌ای که تا کنون بدست آمده نمایندگان حزب جمهوری خواه حائز اکثریت شده‌اند و لکن مجموع آراء که تا کنون داده شده آنقدر زیاد نیست که بر طبق آن بتوان از نتیجه‌انتخابات اظهار نظر نمود .

جای اداره - لاله‌زار-کوچهٔ مهران

تلفون - ۶۰۴۶ تك شماره‌درهمه‌جا ۵۰ دینار

چاپخانه تجدد ایران

آگهی

۴۲۹۱　در ۵ر۸ر۲۱

آگهی تحدید حدود ثبت املاك یك قسمت از قطعه ۱ بخش یك شهرستان دزفول .

در تعقیب آگهی شماره　بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاك تحدید حدود شماره های زیر

۴۳۹۴ اداره فرهنك واوقاف دزفول ۱ باب مسجد

۴۴۳۷ آقای سید محمد علی دور سه دانك از ششدانك یك باب خانه

۴۵۱۶ آقای سید محمد سید حاواچی یك باب مخروبه

۱ر۴۵۲۰ آقای محمد ملك ازاد وغیره ۱ باب خانه

۴۶۴۹ باقر صادقی عطار وشرکاء یکباب خانه در روز دوشنبه دوم آذر ماه ۲۱ از ساعت ٤ قبل از ظهر تا ظهر در محل شروع وبعمل خواهد آمد

۴۶۵۰ و۴۶۵۱ جواهر صادقی عطار و شرکاء یکباب خانه ویکقطعه‌زمین

۴۶۷۰ آقای سید محمد مهدی ضیائیان وغیره یکبابخانه

۴۶۸۰ اسفندیار عبدی جولك دخت و غیره یکباب خانه

۴۶۹۰ رضا بیکلر زاده ۱۰۹۶۴ سهم از ۱۳۸۲۴ سهم یك بابخانه

۴۷۰۰ کاظم صدیق فخار دزفولی وغیره یکبابخانه در روزسه شنبه سوم آذرماه ۱۳۲۱

۴۷۰۲ آقای سید نبی زکی پور دزفولی یکبابخانه مخروبه

۴۷۱۰ اداره فرهنك واوقاف دزفول یك باب مسجد

۴۷۱۱ یوسفعلی احمد علیائی ۲۰ سهم از ۲۴ سهم یك بابخانه

۴۷۱۶ و۴۷۰۷ غلام علی حجازی زاده وشرکاء یکبابخانه ودکان

۴۷۲۶ آقای حسین کوشی زاده وغیره ۱۵ سهم و یکدوم سهم از ۲۴ سهم یکبا بخانه مخروبه در روز چهار شنبه چهار آذر ماه ۲۱

۴۷۳۵ آقای نصراله حیدریان پور ۸ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه

۴۷۴۲ و۴۷۴۳ محمد شامادی یکبابخانه ویکبابدکان

۴۷۵۴ آقای غلامعلی آرش و غیره یك باب خانه

۴۷۶۳ آقای محمودجمشید نژاد و شرکاء یکبابخانه

۴۷۶۶ غلامعلی حجازی زاده دزفولی و و شرکاء یك باب خانه در روز ۵ شنبه آذرماه ۲۱

۴۷۷۰ آقای بره بلغار ٤ سهم از ۲۴سهم یك بابخانه

۴۷۷۷ و۴۷۷۷-۱ آقای یداله غیاثی ۱ بابدکان وفوقانی آن

۴۷۹۹-۱ آقای حاجی حاجی‌زمان کاشی یکقطعه زمین

۴۸۳۱ سید عبدالرحمن هما یکبابخانه

۴۸۴۳ مجید شیرمال زن یکبابخانه‌درروز شنبه ۷ آذرماه ۲۱

۴۸۶۷ آقای مجید باغبان زاده‌سه‌دانك از ششدانك یکبابخانه

۴۸۷۳ و ۴۸۷۴ آقای عباس قائم پناه دزفولی نژاد و غیره سه دانك از شش دانك یکبابخانه و یکباب اطاق

۴۸۸۱ آقای عبدالحسین آخوند رجب ۱۲ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه

۴۸۹۹ آقای حاجی محمد جوزی و غیره ۱۸ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه

۴۹۰۴ آقای عبدالحسین رشیدیان دزفولی یکباب خانه

در روز یکشنبه ۸ آذر ماه ۲۱

۴۹۰۹ آقای محمد شابادی و غیره ۱۶ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه

۴۹۱۷ محمد علی ذاکر علکی سه دانك از ششدانك یکبابخانه

۴۹۴۴ عبد الکریم حاج مؤمن وشرکاء یکباب خانه

۴۹۴۸ آقای تقی مرتضوی و شرکاء یکبابخانه

۴۹۴۹ علی کراز یکبابخانه

در روز دوشنبه ۹ آذر ماه ۲۱

۴۹۶۹ اداره فرهنك و اوقاف دزفول یك یکباب دکان

۴۹۷۴ آقای رجبعلی نجیب پور یکبابخانه

۴۹۷۵ / ۱ آقای عبدالحسین کلاب خیام یکبابخانه

۴۹۷۷ اداره فرهنك و اوقاف دزفول یکبابدکان

۴۹۷۹ و ۴۹۸۰ آقای غلامعلی حجازی زاده دزفولی و غیره یکبابدکان و یك باب ردهپله

در روز سه شنبه ۱۰ آذر ماه ۲۱

۴۰۸۳ آقای تقی مراد وندی یکبابخانه

۴۹۸۶ محمد علی گل بلیچی یکبابخانه

۴۹۹۶ آقای سلطانعلی خوش‌خبر وغیره ۵ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه

۵۰۱۱ و ۵۰۱۲ محمد و فاطمه حسن زاده زمانی دو دانك از ششدانك یکباب خانه و دو بابدکان

۵۰۲۰ سید محمد رشیدقلندیان یکبابخانه در روز چهارشنبه ۱۱ آذر ماه ۲۱

۵۰۲۵ رضا ما یار و غیره یکبابخانه

۵۰۳۰ و ۵۰۳۱ آقای مجید تونی‌زاده ۸ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه

۵۰۴۵ عبدالنبی موحد نساج و شرکاء یك باب خانه

۵۰۴۸ تاج نه دانه یکبابخانه

۵۰۴۹ آقای علی طالب زاده شوشتری یك باب خانه

در روز پنجشنبه ۱۲ آذر ماه ۲۱

۵۰۵۶ ابراهیم بدلاو شرکاء یك بابخانه

۵۰۶۴ و ۵۰۶۵ و۵۰۶۶ رجب دوابی و شرکاء یکبابخانه و دو باب دکان

۵۰۶۸ میرزاامیرزاده دزفولی یکبابخانه

۵۰۷۰ آقای سلطانعلی یکبران و غیره یکباب خانه

۵۰۷۰-۱ اقای یوسفعلی چشم‌خورد جولا یکباب خانه درروزشنبه ۱۴ آذرماه ۲۱

۵۰۷۹ اقای محمد علی جولای زال یکباب خانه

۵۰۸۲ بی بی عالیه صاحبی دو دانك از شش دانك یکبابخانه

۵۰۸۳ روبخیر بالید و غیره یکبابخانه

۵۰۸۶ اقای محمد نجدی یکبابخانه

۵۰۸۹ عبدالمحمد نیکویان یکبابخانه روز یکشنبه ۱۵ آذرماه ۲۱

۵۰۹۰ جهان اسدی دزفولی یکدانك و نیم از شش دانك یکبابخانه

۵۰۹۴ اقای عبدالمحمد باقوران و غیره یکبابخانه

۵۰۹۹ امن‌الله‌محمه‌سبزی خیاط ۱۶ سهم و نیم از ٤ سهم ۱ باب خانه

۵۱۰۰ اقای محمد حسن کرجی ۱ بابخانه

۵۱۰۹ سید محمد علی رجبیان ۱ بابخانه

در روزدوشنبه ۱۶ اذرماه ۲۱

۵۱۲۷ رمضان دواری ۲۰ سهم از ٤ سهم ۱ باب خانه

۵۱۳۷ اقای حسن نی بند ۱ بابخانه

۵۱۳۹ منتدی نصیر جولائیان ۱ بابخانه

۵۱۴۲ و ۵۱۴۳ اقای عبدالعلی جرچیقی پور وغیره ۱ بابخانه و ۱ بابدکان

۵۱۶۱ سید محمد تقی صافی و شرکاء ۱ بابخانه در روز ۳ شنبه ۱۷ اذرماه ۲۱

۵۱۶۲ فاطمه سلطان آهوئی ۱ بابخانه

۵۱۷۰ عبدالمحمد طلا غلامحسین جولائی یکبابدکان

۵۱۹۷ اقای محمد تقی اختیار ۱ بابخانه

۵۲۰۷ آقای حاج سید علی کچ فروش ۱ بابخانه

۵۲۰۹ خانم فاطمه نمك کش یکبابخانه در روز چهار شنبه ۱۸ آذرماه ۲۱

۵۲۲۱ صفرعلی یوسف جولائی یك باب خانه

۵۲۱۳ رضای رفیع وشرکاء یکبابخانه

۵۲۱۶ سکینه نکار وشرکاء یك بابخانه

۵۲۱۷ اقای رجبعلی فولادی جولا و شرکاء یکبابخانه

۵۲۱۹ خانم فاطمه رفیع ٤ سهم و نیم از ۲۴ سهم یك باب خانه در روز ۵ شنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۲۱

۵۲۲۳ خدا رسان پولاد گل کش یك باب خانه

۵۲۲۸ روبخیر پوست آش کن ده سهم از سه سهم یکبابخانه

۵۲۲۸-۱ اقایوسف کچ فروش یك بابخانه

۵۲۵۷ اقای محمدطاهر آهوئی یکبابخانه

در روز شنبه ۲۲ آذرماه

۵۲۶۹ تا ۵۲۷۱ ظاهر جوجه و غیره ۷۰ سهم و ۸۰ / ۲۴ سهم از ۲۴ سهم یك باب خانه و دو بابدکان

۵۲۹۲ آقای اسد الله سراج یکبابخانه

۵۳۰۰ آقای رضا ما یار وغیره ۱۴ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه

۵۳۰۵ علی‌محمد فیروزکرمی یکبابخانه

۵۳۱۰ آقای میرزا شاه یتیم‌زاده وغیره یکباب خانه

در روز یکشنبه ۲۲ آذر ماه ۲۱

۵۳۲۵ حسین نوروز سنار و شرکاء یك باب خانه

۵۳۲۷ فتح الله سنز یکبابخانه

۵۳۲۸ تا ۵۳۳۰ علی نوروزیان یکباب خانه و اتومبیل خانه و دکان منضلات

۵۳۳۲ و ۵۳۳۳ کاکاعلی مرشد ۲۱ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه ویکباب مترخانه

۵۳۳۶ حاج حسن اردو یکبابخانه

در روز دو شنبه ۲۳ آذر ماه ۲۱

۵۳۶۹ آقای مجید افشار و غیره ۸۴ سهم از ۵۷۶ سهم یکبابخانه

۵۳۸۰ سید محمود شریعتی ۱۲ سهم از ۲۴ سهم یکباب خانه

۵۳۸۲ و ۵۳۸۴ آقای کربلائی حسن آجر کش ناجری و شرکاء یکبابخانه و یکبابدکان

۵۳۹۹ معصومه مرید زاده و غیره یك باب خانه

۵۴۰۰ آقای تقی دباغی یکبابخرابه روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه ۲۱

۵۴۱۵ و ۵۴۱۶ اسماعیل ذبیح‌زاده ۶ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه ویکبابدکان

۵۴۲۰ تا ۵۴۲۲ آقای تقی دباغی یك باب خانه و دو بابدکان

۵۴۴۴ سید مرتضی قاضی‌زاده یکبابدکان

۵۴۷۳ سید محمد حسین حکمی دزفولی ۳ سهم و ۳ / ٤ سهم از ۲۴ سهم یك باب خانه

۵۴۷۴ آقای علی شباك ۲۰ سهم و ۱ ۲۴ سهم از ۲۴ سهم یکباب خانه

روز چهارشنبه ۲۵ آذر ماه ۲۱

۵۴۷۵ - ۱ حسین عیدوبس زاده یك باب خانه

۵۴۸۰ روبخیر ساکی زاده ۶ سهم از ۲۴ سهم یکبابخانه

۵۴۹۰ عبدالکریم صیغی پنبه چی یکبابخانه

۵۴۹۱ و ۵۴۹۲ تو ازخانم آخوند نژاد رجبی و غیره ۵ سهم و ۱ / ۳ سهم از ۲۴ سهم یکباب خانه و ۱ بابدکان

۵۵۰۳ حسن علی بلاله و شرکاء یکباب خانه

در روز پنجشنبه ۲۶ آذر ماه ۲۱

۵۵۰۶ و ۵۵۰۷ آقای حاج حسین افشار و شرکاء یکباب خانه

۵۵۱۱ حبابه لعافی پور یکباب خانه

۵۵۱۹ خانم فاطمه خادم زاده یکبابخانه

۵۵۳۴ آقای احمد عبدی شاطر سه دانك از ششدانك یکبابخانه

۵۵۳۷ آقای عبدالحسین الندی حلاج یکباب خانه

در روز یکشنبه ۲۹ آذر ماه ۲۱

۵۵۴۱ ملاتقی طالع پور ۱ بابخانه

۵۵۴۲ ربابه لونیه 〃 〃

۵۵۴۶ غلامعلی مقدم 〃 〃

۵۵۴۷ مجیدطاهرزاده 〃 〃

۵۵۵۱ محمد سبز قبائی و غیره ۱ باب قناد در روزدوشنبه ۳۰ آذرماه ۲۱

۵۵۶۳ قربانعلی جانوری ۱ باب خانه

۵۵۷۱ محمد جعفرپور ۱ بابدکان

۵۵۹۱ گوهر طاهر نژادی ۱ بابخانه

۵۶۰۲ آقای مرتضی موحد نساج وشرکاء ۱ بابخانه

۵۶۳۳ آقای ابوالقاسم خلیلك یکباب خانه در روز سه شنبه اول دی ماه ۱۳۲۱ از ساعت چهار قبل از ظهر درمحل شروع وبعمل خواهد آمد .

لذا بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاك صاحبان املاك ومجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار میشود که در روز وساعت مذکور فوق در محل حضور بهمرسانند چنانچه هریك از صاحبان املاك یا نماینده قانونی آن ها در موقع تحدید حدود حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملك آن ها با حدوداظهار شده ازطرف مجاورین وصاحبان املاك که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق مقررات ماده ۲۰ قانون ثبت املاك پذیرفته نخواهد شد .

رئیس ثبت اسناد واملاك دزفول مقتدری

ش - ۱۱۶۸